

تفسیر نمونه جلد ۹ صفحه ۱

سورہ ہود

مقدمہ

این سورہ در مکہ نازل شدہ و ۱۲۳ آیہ است

تفسیر نمونه جلد ۹ صفحه ۳

محتوا و فضیلت این سورہ

مشہور در میان مفسران این است کہ تمام این سورہ در مکہ نازل شدہ، و طبق نقل تاریخ القرآن، چہل و نہمین سورہای است کہ بر پیامبر (صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم) نازل گردید. و نیز طبق تصریح بعضی از مفسران نزول این سورہ در اواخر سالہائی بود کہ پیامبر (صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم) در مکہ بہ سر می برد یعنی بعد از مرگ ابو طالب و خدیجہ و طبعاً در یکی از سخت ترین دورانیہای زندگانی پیامبر (صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم) کہ فشار دشمن و تبلیغات خشن و زہراگینش بیش از ہر زمان دیگر احساس می شد. بہ ہمین جہت در آغاز این سورہ، تعبیراتی کہ جنبہ دلداری و تسلی نسبت بہ پیامبر (صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم) و مؤمنان دارد دیدہ می شود. قسمت عمدہ آیات سورہ را سر گذشت پیامبران پیشین مخصوصاً نوح کہ با وجود نفرت کم بر دشمنان بسیار پیروز شدند تشکیل می دہد. ذکر این سر گذشتہا ہم وسیلہ آرامش خاطر برای پیامبر (صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم) و مؤمنان در برابر آن انبوء دشمنان بودہ، و ہم درس عبرتی برای مخالفان نیرومندشان.

و بہ ہر حال آیات این سورہ، همانند سایر سورہہای مکی، اصول معارف اسلام مخصوصاً مبارزہ با شرک و بت پرستی و توجیہ بہ معاد و جہان پس از مرگ و صدق دعوت پیامبر را تشریح می کند، و در لابلائی مباحث تہدیدہای شدیدی نسبت بہ دشمنان، و دستورہای مؤکدی در زمینہ استقامت بہ مؤمنان، دیدہ می شود.

در این سورہ علاوہ بر حالات نوح پیامبر و مبارزات شدیدش کہ مشروحاً

آمده است به سر گذشت هود و صالح و ابراهیم و لوط و موسی و مبارزات دامنه دارشان بر ضد شرک و کفر و انحراف و ستمگری اشاره شده.

این سوره مرا پیر کرد.

آیات این سوره به روشنی این امر را اثبات می کند که مسلمانان هرگز نباید به خاطر کثرت دشمنان و حملات شدید آنان میدان را خالی کنند، بلکه باید هر روز بر استقامت خویش بیفزایند.

به همین دلیل در حدیث معروفی می خوانیم که پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود شیبتنی سوره هود: سوره هود مرا پیر کرد!

و یا اینکه هنگامی که یارانش عرضه داشتند آثار پیری زودرس در چهره شما ای رسول خدا نمایان شده، فرمود: شیبتنی هود و الواقعة: سوره هود و واقعه مرا پیر کرد!

و در بعضی از روایات سوره مرسلات و عم يتساءلون و تکویر و غیر آن نیز اضافه شده است.

و از ابن عباس در تفسیر این حدیث چنین نقل شده که ما نزل علی رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) آیه کان اشد علیه و لا اشد من آیه فاستقم كما امرت و من تاب معك: هیچ آیه ای بر پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) شدیدتر و دشوارتر از آیه استقم كما امرت و من تاب معك... (استقامت كن آنچنان که دستور یافته ای و همچنین کسانی که با توهستند) نبود. بعضی از مفسران نقل کرده اند که یکی از دانشمندان پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) را در

خواب دید، و از حضرتش سؤال کرد، اینکه از شما نقل شده سوره هود مرا پیر کرد آیا علتش بیان سر گذشت امتهای پیشین و هلاک آنها است فرمود: نه، علتش آیه فاستقم كما امرت... بود.

به هر حال این سوره علاوه بر این آیه، آیات تکان دهنده ای مربوط به قیامت و بازپرسی در آن دادگاه عدل الهی و آیاتی پیرامون مجازات اقوام پیشین و دستوراتی درباره مبارزه با فساد دارد که همگی مسئولیت آفرین است و جای تعجب نیست که اندیشه در این مسئولیتها آدمی را پیر کند.

نکته دیگری که در اینجا باید به آن توجه داشت این است که بسیاری از آیات این سوره تاکیدی است بر مطالبی که در سوره قبل یعنی سوره یونس آمده است، و آغازش مخصوصاً درست شبیه همان آغاز، و برداشتن نیز در بسیاری از موارد تاکید بر همان مسائل است.

تأثیر معنوی این سوره

اما در مورد فضیلت این سوره، در حدیثی از پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) آمده است: من قرء هذه السورة اعطى من الاجر والثواب بعدد من صدق هودا و الانبياء عليهم السلام، و من كذب بهم، و كان يوم القيامة في درجة الشهداء، و حوسب حسابا يسيرا: کسی که این سوره را بخواند، پاداش و ثوابی به تعداد کسانی که به هود و سایر پیامبران ایمان آوردند و کسانی که آنها را انکار نمودند خواهد داشت، و روز قیامت در مقام شهداء قرار می گیرد، و حساب آسانی خواهد داشت.

روشن است که تنها تلاوت خشک و خالی این اثر را ندارد بلکه تلاوت

تفسیر نمونه جلد ۹ صفحه ۶

این سوره توأم با اندیشه، و سپس عمل است که، انسان را به مؤمنان پیشین نزدیک، و از منکران پیامبران دور می سازد، و به همین دلیل به تعداد هریک از آنها پاداشی خواهد داشت، و چون با شهیدان امتهای گذشته هم هدف خواهد بود، جای تعجب نیست که در درجه آنان قرار گیرد، و حسابی ساده و آسان داشته باشد.

و نیز از امام صادق (علیه السلام) نقل شده که فرمود: کسی که این سوره را بنویسد و با خود داشته باشد، خداوند نیروی فوق العادهای به او خواهد داد، و کسی که آن را به همراه داشته باشد و با دشمن بجنگد بر او پیروز و غالب می شود تا آنجا که هر کس او را ببیند از او می ترسد!

گرچه افراد ظاهر بین و راحت طلب از اینگونه احادیث چنین برداشت می کنند که فقط بودن خط و نقش قرآن با انسان برای رسیدن به این هدفها کافی است، ولی روشن است که منظور از داشتن اینها با خود آن است که همچون یک دستورالعمل و برنامه زندگی همراه داشته باشد، پیوسته این برنامه را بخواند و مو به مو اجرا کند، و مسلماً چنین کار آنهمه آثار رانیز خواهد داشت، چه اینکه در این سوره دستور استقامت، مبارزه با فساد همبستگی در راه هدف و قسمت زیادی از تجربیات و تاریخ اقوام پیشین که هر کدام از آنها

یک درس پیروزی بر دشمن است، وجود دارد.

تفسیر نمونه جلد ۹ صفحه ۷

آیه ۱ - ۴

آیه و ترجمه

بسم الله الرحمن الرحيم

الر کتب احکمت ءایته ثم فصلت من لدن حکیم خبیرا

الا تعبدوا الا الله اننی لکم منه نذیر و بشیر ۲

و ان استغفروا ربکم ثم توبوا الیه یمتعکم متعا حسنا الی اجل مسمی ویؤت کل

ذی فضل فضله و ان تولوا فانی اخاف علیکم عذاب یوم کبیر ۳

الی الله مرجعکم و هو علی کل شیء قدیر ۴

ترجمه :

بنام خداوند بخشنده مهربان

۱ - الر - این کتابی است که آیاتش استحکام یافته سپس تشریح شده، از نزد خداوند حکیم و آگاه (نازل گردیده است).

۲ - (دعوت من این است) که جز الله را نپرستید، من از سوی او برای شما بیم دهنده و بشارت دهنده‌ام.

۳ - و اینکه از پروردگار خویش آمرزش بطلبید، سپس به سوی او بازگردید تا بطرز نیکوئی شما را تا مدت معین (از مواهب زندگی این جهان) بهره‌مند سازد، و به هر صاحب فضیلتی بمقدار فضیلتش ببخشد، و اگر (از این فرمان) روی گردان شوید من بر شما از عذاب روز بزرگی بیمناکم.

۴ - (بدانید) بازگشت شما به سوی الله است و او بر هر چیز قادر است.

تفسیر نمونه جلد ۹ صفحه ۸

تفسیر :

چهار اصل مهم در دعوت انبیا

این سوره همانند آغاز سوره گذشته و بسیاری از سوره‌های دیگر قرآن بایان اهمیت این کتاب بزرگ آسمانی شروع می‌شود، تا مردم به محتویات آن بیشتر توجه کنند، و با دیده دقیقتری به آن بنگرند.

ذکر حروف مقطعه الر خود دلیلی است بر اهمیت این کتاب بزرگ آسمانی که با تمام اعجاز و عظمتش از حروف مقطعه ساده‌ای که در اختیار همگان است

همچون الف، لام، راء تشکیل شده است (الر).
و به دنبال این حروف مقطعه یکی از ویژگیهای قرآن مجید را با دو جمله بیان می‌کند، نخست اینکه کتابی است که تمام آیاتش متقن و مستحکم است (کتاب احکمت آیاته).

و سپس شرح و تفصیل و بیان تمام نیازمندیهای انسان در زمینه زندگی فردی و اجتماعی مادی و معنوی، در آن بیان شده است (ثم فصلت).
این کتاب بزرگ با این ویژگی از سوی چه کسی نازل شده است؟ از نزدخدائی که هم حکیم است و هم آگاه (من لدن حکیم خبیر).
به مقتضای حکیم بودنش آیات قرآن را محکم، و به مقتضای خبیر و آگاه بودنش آیات قرآن را در بخشهای گوناگون، طبق نیازهای انسان بیان داشته است، چرا که تا کسی از تمام جزئیات نیازهای روحی و جسمی انسان با خبر نباشد نمی‌تواند دستورات شایسته تکامل آفرینی صادر کند.
در واقع هر یک از صفات قرآن که در این آیه آمده، از یکی از صفات خداوند سرچشمه می‌گیرد، استحکام قرآن از حکمتش، و شرح و تفصیل آن از

تفسیر نمونه جلد ۹ صفحه ۹

خبیر بودنش.
در اینکه فرق میان احکمت و فصلت چیست؟ مفسران بحثهای فراوان کرده‌اند و احتمالات زیادی داده‌اند، اما آنچه نزدیکتر از همه، به مفهوم آیه فوق به نظر می‌رسد این است، که در جمله اول این واقعیت بیان شده است که قرآن مجموعه واحد به هم پیوسته‌ای است که همچون یک بنای محکم و استوار بر جا است و نشان می‌دهد که از سوی خداوند واحد یکتا نازل شده، و به همین دلیل هیچگونه تضاد و اختلاف در میان آیاتش دیده نمی‌شود.
اما جمله دوم اشاره به این حقیقت است که این کتاب در عین وحدت، آنچنان شاخه‌ها و شعب فراوان دارد که تمام نیازهای روحی و جسمی انسانها را در زیر پوشش خود قرار می‌دهد، بنابراین در عین وحدت، کثیر است و در عین کثرت واحد.
از آیه بعد مهمترین و اساسی‌ترین محتوای قرآن یعنی توحید و مبارزه با شرک را به این صورت بیان می‌کند: نخستین دعوت من این است که جز خداوند یگانه یکتا را نپرستید (الا تعبدوا الا الله).
و این نخستین تفصیل از دستورات این کتاب بزرگ است.

و دومین برنامه دعوت‌م این است که من برای شما از سوی او نذیر و بشیرم: در برابر نافرمانی‌ها و ظلم و فساد و شرک و کفر، شما را بیم‌می‌دهم، و از عکس‌العمل کارهایتان و مجازات الهی بر حذر می‌دارم، و در برابر اطاعت

تفسیر نمونه جلد ۹ صفحه ۱۰

و پاکی و تقوا شما را بشارت به سرنوشتی سعادتبخش می‌دهم (ان‌ی لکم منه نذیر و بشیر).

سومین دعوت‌م این است که از گناهان خویش استغفار کنید، و از آلودگی‌ها خود را شستشو دهید (و ان استغفروا ربکم)

و چهارمین دعوت‌م این است که به سوی او باز گردید و پس از شستشوی از گناه و پاک شدن در سایه استغفار، خود را به صفات الهی بیارائید که بازگشت به سوی او چیزی جز اقتباس از صفات او نیست (ثم توبوا الیه).

در واقع چهار مرحله از مراحل مهم دعوت به سوی حق در ضمن چهارجمله بیان شده است که دو قسمت آن جنبه عقیدتی و زیر بنائی دارد، و دو قسمت جنبه عملی و رو بنائی: قبول اصل توحید و مبارزه با شرک و قبول رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) دو اصل اعتقادی است.

و شستشوی از گناه و تخلق به صفات الهی که سازندگی را به تمام معنی از نظر عمل در بر دارد، دو دستور عملی قرآن است، و اگر درست بیندیشیم تمام محتوای قرآن در این چهار بخش خلاصه می‌شود، این فهرستی است برای همه قرآن و برای تمام محتوای این سوره.

سپس نتیجه‌های عملی موافقت یا مخالفت با این چهار دستور را چنین بیان می‌کند:

هر گاه به این برنامه‌ها جامه عمل بپوشانید خداوند تا پایان عمر شما را از زندگانی سعادتبخش این دنیا بهره‌مند و متمتع می‌سازد (یمتعکم متاعا حسنا الی اجل مسمی).

و از آن بالاتر اینکه به هر کس به اندازه کارش، بهره می‌دهد و تفاوت مردم را در چگونگی عمل به این چهار اصل به هیچوجه نادیده نمی‌گیرد، بلکه

تفسیر نمونه جلد ۹ صفحه ۱۱

به هر صاحب فضیلتی به اندازه فضیلتش عطا می‌کند (و یؤت کل ذی فضل فضله).

و اما اگر راه مخالفت را پیش گیرید، و در برابر این دستورهای چهارگانه عقیدتی و عملی سرپیچی کنید، من از عذاب روز بزرگی بر شما بیمناکم همان روز که در دادگاه بزرگ عدل الهی حضور می‌یابید (و ان تولوا فانی اخاف علیکم عذاب یوم کبیر).

به هر حال بدانید که هر کس باشید، و در هر مقام و منزلتی قرار گیرید، سرانجام بازگشت همه شما به سوی خدا است (الی الله مرجعکم). و این جمله اشاره به اصل پنجمی از اصول تفصیلی قرآن یعنی مساله معاد و رستاخیز است.

اما هیچگاه فکر نکنید که قدرت شما در برابر قدرت خدا اهمیتی دارد، یا می‌توانید از فرمان او، و دادگاه عدالتش فرار کنید، و نیز تصور نکنید که او نمی‌تواند استخوانهای پوسیده شما را بعد از مرگ جمع‌آوری کند، و لباس حیات و زندگی نوینی بر آن بپوشاند چرا که او بر همه چیز قادر و تواناست (و هو علی کل شیء قذیر).

پیوند دین و دنیا

هنوز کم نیستند کسانی که گمان می‌کنند دین داری فقط برای آباد ساختن سرای آخرت و راحتی پس از مرگ است و اعمال نیک توشه‌ای است برای سرای دیگر و به نقش مذهب پاک و اصیل در زندگی این جهان بکلی بی‌اعتنا هستند، و یا اهمیت کمی برای آن قائلند.

در حالی که مذهب پیش از آنکه سرای آخرت را آباد کند، آباد کننده سرای دنیا است، و اصولاً تا مذهب در این زندگی اثر نگذارد تاثیری برای آن

تفسیر نمونه جلد ۹ صفحه ۱۲

زندگی نخواهد داشت!

قرآن با صراحت این موضوع را در آیات بسیاری عنوان کرده است و حتی گاه دست روی جزئیات مسائل گذاشته چنانکه در سوره نوح از زبان این پیامبر بزرگ خطاب به قومش می‌خوانیم: و ان استغفروا ربکم انه کان غفارا یرسل السماء علیکم مدرارا و یمددکم باموال و بنین و یجعل لکم جنات و یجعل لکم انهارا: من به آنها گفتم از گناهان خود استغفار کنید و با آب توبه آنها را بشوئید که خدا آمرزنده است، تا برکات آسمان را پی در پی بر شما فرو فرستد، و با اموال و فرزندان شما را یاری بخشد و باغهای سرسبز و نه‌رهای آب جاری در اختیارتان قرار دهد (نوح - ۹ - ۱۱).

بعضی پیوند این مواهب مادی دنیا را با استغفار و شستشوی از گناه منحصرا یک پیوند معنوی و ناشناخته می‌دانند، در حالی که دلیل ندارد برای همه اینها تفسیر ناشناخته کنیم.

چه کسی نمی‌داند که دروغ و تقلب و دزدی و فساد شیرازه زندگی اجتماعی را بهم می‌ریزد؟

چه کسی نمی‌داند که ظلم و ستم و تبعیض و اجحاف آسمان زندگی انسانها را تیره و تار می‌کند؟

و چه کسی در این حقیقت شک دارد که با قبول اصل توحید و ساختن یک جامعه توحیدی بر اساس قبول رهبری پیامبران، و پاکسازی محیط از گناه و آراستگی به ارزشهای انسانی - یعنی همان چهار اصلی که در آیات فوق به آن اشاره شده - جامعه به سوی یک هدف تکاملی پیش می‌رود و محیطی امن و امان، آکنده از صلح و صفا آباد و آزاد به وجود می‌آید.

به همین دلیل در آیات فوق پس از ذکر این چهار اصل می‌خوانیم: یمتکم متاعا حسنا الی اجل مسمى: اگر این اصول را به کار بندید تا پایان عمر به طرز شایسته و نیکوئی بهره‌مند خواهید شد.

تفسیر نمونه جلد ۹ صفحه ۱۳

آیه ۵

آیه و ترجمه

الا انهم یثنون صدورهم لیستخفوا منه الا حین یستغشون ثیابهم یعلم مایسرون و ما یعلنون انه علیم بذات الصدور ۵
ترجمه:

۵ - آگاه باشید هنگامی که آنها (سرها را بهم نزدیک ساخته و سینه‌هاشان را در کنار هم قرار می‌دهند تا خود (و سخنان خویش) را از او (پیامبر) پنهان دارند آگاه باشید آنگاه که آنها لباسهایشان را بخود می‌پیچند و خویش را در آن پنهان می‌دارند (خداوند) از درون و برون آنها با خبر است، چرا که او از اسرار درون سینه‌ها آگاه است.

تفسیر:

گرچه بعضی از مفسران شان نزولهایی برای این آیه ذکر کرده‌اند از جمله اینکه: آیه درباره اخنس بن شریق منافق نازل شده است که مردی شیرین‌زبان و پشت هم انداز بود و در برابر پیامبر (صلی الله علیه و آله و

سلم) اظهار دوستی و محبت می کرد، ولی در باطن عدوات می ورزید. و نیز از امام باقر (علیه السلام) از جابر بن عبد الله چنین نقل شده که گروهی از مشرکان هنگامی که از برابر پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) می گذشتند سر خود را به زیر افکنده حتی سر را با لباس خویش می پوشاندند تا پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) آنان را نبیند این آیه درباره آنان نازل گشت. ولی در هر حال آیه بطور کلی اشاره به یکی از کارهای احمقانه دشمنان اسلام و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) می کند که با استفاده از روش نفاق آمیز و دور کشی از حق می خواستند ماهیت خود را از نظرها پنهان سازند تا گفتار حق را نشنوند. لذا می گوید: آگاه باشید آنها عداوت پیامبر را در دل مخفی می دارند

تفسیر نمونه جلد ۹ صفحه ۱۴

و سرها را به زیر افکنده سینه را به جلو خم می کنند تا خود را از نظر اوپنهان دارند (الا انهم یثنون صدورهم لیستخفوا منه).

برای فهم دقیق معنی آیه باید مفهوم جمله یثنون به درستی روشن شود. یثنون از ماده ثنی بر وزن سنگ در اصل به معنی نزدیک ساختن قسمتهای مختلف چیزی به یکدیگر است، مثلاً در مورد تا کردن لباس و پارچه گفته می شود: ثنی ثوبه و اینکه به دو نفر اثنان گفته می شود به خاطر آن است که یکی را در کنار دیگر قرار می دهیم، و اگر به مداحی کردن ثنا خوانی گفته می شود به خاطر آن است که صفات برجسته طرف را یکی پس از دیگری می شمرند.

این ماده به معنی خم شدن نیز آمده است چرا که انسان با این کار قسمتهائی از بدن خود را بیکدیگر نزدیک می سازد.

و نیز به معنی در دل گرفتن کینه و عداوت آمده است، چرا که با این کار انسان عداوت شخص یا چیزی را به دل نزدیک می سازد. این تعبیر در ادبیات عرب دیده می شود که: اثنونی صدره علی البغضاء: او کینه مرا به دل گرفت.

با توجه به آنچه ذکر شد چنین به نظر می رسد که تعبیر فوق ممکن است اشاره به هر گونه مخفی کاری ظاهری و باطنی دشمنان پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) باشد که از یکسو با در دل داشتن کینه و عداوتش در ظاهر با زبان شیرین اظهار دوستی می کردند، و از سوی دیگر به هنگام گفتگو با یکدیگر

سرها را به هم نزدیک و سینه‌ها را به عقب داده و حتی لباسها را به سر می‌کشیدند که بدگوئیه‌ها و

تفسیر نمونه جلد ۹ صفحه ۱۵

توسطه‌ها را به صورت مرموزی به یکدیگر برسانند، تا کسی از راز آنها آگاه نشود.

لذا قرآن بلافاصله اضافه می‌کند آگاه باشید آنها هنگامی که خود را در جامه‌هاشان پنهان می‌دارند پروردگار پنهان و آشکار آنان را می‌داند (الا حین يستغشون ثيابهم يعلم ما يسرون و ما يعلنون). چرا که او از اسرار درون سینه‌ها آگاه است (انه علیم بذات الصدور).

آیه ۶

آیه و ترجمه

و ما من دابة فی الارض الا علی الله رزقها و یعلم مستقرها و مستودعها کل فی کتب مبین ۶

ترجمه :

۶ - هیچ جنبنده‌ای در زمین نیست مگر اینکه روزی او بر خدا است، او قرارگاه و محل نقل و انتقالش را می‌داند، همه اینها در کتاب آشکاری (لوح محفوظ علم خداوند) ثبت است.

تفسیر :

همه میهمان اویند!

در آخرین آیه‌ای که گذشت اشاره‌ای به وسعت علم پروردگار و احاطه او به اسرار نهان و آشکار شده بود، آیه مورد بحث در حقیقت دلیلی برای آن محسوب می‌شود، چرا که از روزی دادن خداوند به همه موجودات سخن می‌گوید، همان کاری که بدون احاطه علمی کامل به همه جهان امکان پذیر نیست!

نخست می‌گوید: هیچ دابه‌ای در روی زمین نیست مگر اینکه رزق و روزی آن بر خدا است، و قرارگاه او را می‌داند، و از نقاطی که از قرارگاهش به آن منتقل می‌شود (نیز) باخبر است و در هر جا باشد روزیش را به او می‌رساند

تفسیر نمونه جلد ۹ صفحه ۱۶

(و ما من دابة فی الارض الا علی الله رزقها و یعلم مستقرها و مستودعها).

تمام این حقائق با همه حدود و مرزهایش در کتاب مبین و لوح محفوظ علم خداوند ثبت است (کل فی کتاب مبین).

نکته ها :

برای فهم معنی آیه به چند نکته باید توجه کرد:

- ۱ - گر چه دابة از ماده دبیب به معنی آهسته راه رفتن، و قدمهای کوتاه برداشتن است، ولی از نظر مفهوم لغوی هر گونه جنبنده ای را شامل می شود اما گاهی به خصوص اسب و یا هر حیوان سواری اطلاق می گردد، و روشن است که در آیه مورد بحث تمام موجودات زنده و همه جنبندگان را شامل است.
- ۲ - رزق به معنی عطاء و بخشش مستمر است، و از آنجا که روزی الهی عطای مستمر او به موجودات است به آن رزق گفته می شود. این نکته نیز لازم به تذکر است که مفهوم آن تنها در نیازهای مادی خلاصه نمی شود بلکه هر گونه عطای مادی و معنوی را شامل می گردد، لذا می گوئیم: اللهم ارزقنی علما تاما: خداوندا علم کامل به من روزی کن و یا می گوئیم: اللهم ارزقنی الشهادة فی سبیلک: خداوندا شهادت در راهت را نصیب من بگردان.
- البته در آیه مورد بحث ممکن است نظر بیشتر روی ارزاق مادی بوده باشد، هر چند اراده مفهوم عام نیز چندان بعید نیست.
- ۳ - مستقر در اصل به معنی قرارگاه است، زیرا ریشه این لغت از ماده قر (بر وزن حر) به معنی سرمای شدید می باشد که انسان و موجودات زنده را خانه نشین می کند، به همین جهت به معنی سکون و توقف نیز آمده است. مستودع و ودیعه از یک ماده است، و در اصل به معنی رها کردن چیزی است، و از آنجا که امور ناپایدار رها می شوند، و به حالت اول باز می گردند، به هر امر ناپایدار، مستودع گفته می شود، ودیعه را نیز به خاطر اینکه سرانجام

تفسیر نمونه جلد ۹ صفحه ۱۷

باید محل خود را رها کند و به صاحب اصلی باز گردد و دیعه گفته اند. در حقیقت آیه فوق می گوید: تصور نشود که خداوند تنها به جنبندگان که در جایگاه اصلی قرار دارند روزی می بخشد و به اصطلاح سهمیه آنها را در خانه هایشان می آورد، بلکه هر کجا باشند و در هر وضع و شرائطی قرار گیرند، سهم آنها را از روزی به آنان می بخشد چرا که هم جایگاه اصلی آنان را

می‌داند و هم از تمام نقاطی که به آن نقل و مکان می‌کنند باخبر است. از حیوانات غول پیکر دریائی گرفته تا جنبندگان بسیار کوچکی که به زحمت به چشم دیده می‌شوند هر یک مناسب حالشان آنچه را لازم دارند مقرر کرده است.

این روزی به اندازه‌ای حساب شده و مناسب حال موجودات است که از نظر کمیت و کیفیت کاملاً منطبق بر خواسته‌ها و نیازهای آنها است، حتی غذای کودکی که در رحم مادر است، هر ماه بلکه هر روز، با ماه و روز دیگر تفاوت دارد هر چند ظاهراً یک‌نوع خون بیشتر نیست، و نیز کودک در دوران شیرخوارگی با اینکه ظاهراً ماههای پی در پی غذای واحدی دارد، اما ترکیب این شیر هر روز با روز دیگر متفاوت است!

۴ - کتاب مبین به معنی نوشته آشکار است و اشاره به مرحله‌ای از علم وسیع پروردگار می‌باشد که گاهی از آن تعبیر به لوح محفوظ می‌شود. ممکن است این تعبیر اشاره به این باشد که هیچکس نباید برای به دست آوردن روزی خود کمترین نگرانی به خویش راه دهد، و تصور کند ممکن است در گرفتن سهم خویش، به اصطلاح، از قلم بیفتد، چرا که نام همگی در کتاب آشکاری ثبت است، کتابی که همه را احصاء کرده و آشکارا بیان می‌کند. آیا اگر در یک مؤسسه نام تمام کارمندان و کارکنان در دفتری به روشنی ثبت شده باشد احتمال از قلم افتادن کسی می‌رود؟!

تفسیر نمونه جلد ۹ صفحه ۱۸

تقسیم ارزاق و تلاش برای زندگی

در مورد رزق بحث‌های مهمی است که قسمتی از آن را در اینجا از نظرمی گذرانیم:

۱ - رزق - همانگونه که گفتیم - در لغت بمعنی بخشش مستمر و متداوم است اعم از اینکه مادی باشد یا معنوی، بنابراین هر گونه بهره‌ای را که خداوند نصیب بندگان می‌کند از مواد غذایی و مسکن و پوشاک، و یا علم و عقل و فهم و ایمان و اخلاص به همه اینها رزق گفته می‌شود، و آنها که مفهوم این کلمه را محدود به جنبه‌های مادی می‌کنند، توجه به موارد استعمال آن دقیقاً ندارند، قرآن درباره شهیدان راه حق می‌گوید بل احياء عند ربهم يرزقون: آنها زنده‌اند و نزد پروردگارشان روزی می‌برند (آل عمران - ۱۶۹) روشن است که روزی شهیدان، آن هم در جهان برزخ، نعمتهای مادی نیست، بلکه

همان مواهب معنوی است که حتی تصورش برای ما در این زندگی مادی مشکل است.

۲ - مساله تامین نیازمندیهای موجودات زنده - و به تعبیر دیگر رزق و روزی آنها - از جالبترین مسائلی است که با گذشت زمان و پیشرفت علم، پرده از روی اسرار آن برداشته می شود، و صحنه های شگفت انگیز تازه ای از آن بوسیله علم فاش می گردد.

در گذشته همه دانشمندان در فکر بودند که اگر در اعماق دریاها موجودات زنده ای وجود داشته باشد غذای آنها از چه راهی تامین می شود، زیرا ریشه اصلی غذاها به نباتات و گیاهان باز می گردد که آن هم نیازمند به نور آفتاب است، و در اعماق بیش از ۷۰۰ متر مطلقاً نوری وجود ندارد و یک شب تاریک ابدی بر آن سایه افکنده است.

ولی بزودی روشن شد که نور آفتاب، گیاهان ذره بینی را در سطح آب، و در بستر امواج پرورش می دهد، و هنگامی که مرحله تکاملی خود را پیمود، همچون میوه رسیده ای، به اعماق دریا فرو می رود، و سفره نعمت را برای موجودات زنده ژرفنای آب فراهم می سازند.

تفسیر نمونه جلد ۹ صفحه ۱۹

از سوی دیگر بسیاری پرندگانی که از ماهیان دریا تغذیه می کنند حتی انواعی از شب پره وجود دارد، که در ظلمت شب همچون یک غواص ماهر به اعماق آب فرو می رود و صید خود را که با امواج مخصوص رادار مانندی که از بینی آنها بیرون فرستاده می شود شناسائی و نشانه گیری کرده اند بیرون می آورد.

روزی بعضی از انواع پرندگان در لابلای دندانهای پاره ای از حیوانات عظیم الجثه دریا نهفته شده! این حیوانات که پس از تغذیه از حیوانات دریائی دندانهایشان احتیاج به یک خلال طبیعی: دارد به ساحل می آیند، دهانشان را که بی شباهت به غار کوچکی نیست باز نگه می دارند، آن گروه از پرندگان که روزیشان در اینجا حواله شده است بدون هیچگونه وحشت و اضطراب وارد این غار می شوند، و به جستجوی روزی خویش در لابلای دندانهای حیوان غول پیکر می پردازند، هم شکمی از این غذای آماده از عزا در می آورند، و هم حیوان را از این مواد مزاحم راحت می سازند، و هنگامی که برنامه هردو پایان پذیرفت، و آنها به خارج پرواز کردند، حیوان با احساس آرامش دهان را به روی هم می گذارد و به اعماق آب فرو

می‌رود!

طرز روزی رساندن خداوند به موجودات مختلف، راستی حیرت‌انگیز است، از جنینی که در شکم مادر قرار گرفته و هیچکس بهیچوجه در آن ظلمت‌کده اسرار آمیز به او دسترسی ندارد، تا حشرات گوناگونی که در اعماق تاریک زمین و لانه‌های پرپیچ و خم و در لابلاي درختان و بر فراز کوهها و در قعر دره‌ها زندگی دارند از دیدگاه علم او هرگز مخفی و پنهان نیستند، و همانگونه که قرآن می‌گوید خداوند، هم جایگاه و آدرس اصلی آنها را می‌داند و هم محل سیار آنان را، و هر جا باشند روزی آنان را به آنان حواله می‌کند. جالب اینک که در آیات فوق به هنگام بحث از روزی خواران تعبیر به دابه و جنبیده شده است و این اشاره لطیفی به مساله رابطه انرژی و حرکت است،

تفسیر نمونه جلد ۹ صفحه ۲۰

می‌دانیم هر جا حرکتی وجود دارد نیازمند به ماده انرژی را است یعنی ماده‌ای که منشا حرکت گردد، قرآن نیز در آیات مورد بحث می‌گوید خدا به تمام موجودات متحرک روزی می‌بخشد!

و اگر حرکت را به معنی وسیعش تفسیر کنیم گیاهان را هم در بر می‌گیرد، زیرا آنها نیز یک حرکت بسیار دقیق و ظریف در مسیر نمو دارند، به همین دلیل در فلسفه ما یکی از اقسام حرکت را مساله نمو شمرده‌اند. ۳- آیا روزی هر کس از آغاز تا پایان عمر تعیین شده، و خواه ناخواه به اومی‌رسد؟ یا اینک باید به دنبال آن رفت و به گفته شاعر شرط عقل است جستن از درها!

بعضی از افراد سست و بی‌حال به اتکاء تعبیراتی همانند آیه فوق، یاروایاتی که روزی را مقدر و معین معرفی می‌کند فکر می‌کنند لزومی ندارد که انسان برای تهیه معاش زیاد تلاش کند، چرا که روزی مقدر است و به هر حال به انسان می‌رسد، و هیچ دهان بازی بدون روزی نمی‌ماند!

این چنین افراد نادان که شناختشان درباره دین و مذهب فوق‌العاده سست و ضعیف است بهانه به دست دشمنان می‌دهند که مذهب عاملی است برای تخدیر و رکود اقتصادی و خاموش کردن فعالیت‌های مثبت‌زندگی، و تن در دادن به انواع محرومیت‌ها، به عذر اینکه اگر فلان موهبت نصیب من نشده حتما روزی من نبوده، اگر روزی من بود بدون چون و چرا به من می‌رسید و این فرصت خوبی بدست استثمارگران می‌دهد که هر چه بیشتر خلق‌های

محروم را بدوشند و آنها را از ابتدائی ترین وسائل زندگی محروم سازند.
در حالی که مختصر آشنائی به قرآن و احادیث اسلامی برای پی بردن به این
حقیقت کافی است که اسلام پایه هر گونه بهره گیری مادی و معنوی انسان را
سعی

تفسیر نمونه جلد ۹ صفحه ۲۱

و کوشش و تلاش می شمرد تا آنجا که در جمله شعارگونه قرآنی لیس للانسان
الا ما سعی بهره انسان را منحصر در کوشش و کارش قرار می دهد.
پیشوایان اسلامی برای اینکه سرمشقی به دیگران بدهند در بسیاری از مواقع
کار می کردند کارهایی سخت و توانفرسا.
پیامبران پیشین نیز از این قانون مستثنی نبودند، از چوپانی گرفته، تاختیاری،
و زرهبافی و کشاورزی، اگر مفهوم تضمین روزی از طرف خدا، نشستن در
خانه و انتظار رسیدن روزی باشد، نباید پیامبران و امامان که از همه آشناتر به
مفاهیم دینی هستند اینهمه برای روزی تلاش کنند.
بنابراین ما هم می گوئیم روزی هر کس مقدر و ثابت است، ولی در عین حال
مشروط به تلاش و کوشش می باشد، و هر گاه این شرط حاصل نشود مشروط
نیز از میان خواهد رفت. این درست به آن می ماند که می گوئیم هر کس اجلی
دارد و مقدار معینی از عمر مسلماً مفهوم این سخن آن نیست که اگر انسان
حتی دست به انتحار و خودکشی و یا تغذیه از مواد زیانبخش بزند تا اجل معینی
زنده می ماند، مفهومش این است که این بدن استعداد بقاء تا یک مدت قابل
ملاحظه دارد اما مشروط به اینکه اصول بهداشت را رعایت کند و از موارد خطر
بپرهیزد، و آنچه سبب مرگ زودرس می شود از خود دور کند.
نکته مهم این است که آیات و روایات مربوط به معین بودن روزی درواقع
ترمزی است روی افکار مردم حریص و دنیاپرست که برای تامین زندگی به هر
در می زنند، و هر ظلم و جنایتی را مرتکب می شوند، به گمان اینکه اگر چنین
نکنند زندگیشان تامین نمی شود.
آیات قرآن و احادیث اسلامی به این گونه افراد هشدار می دهد که
بیهوده دست و پا نکنند، و از طریق نامعقول و نامشروع برای تهیه روزی
تلاش ننمایند، همین اندازه که آنها در طریق مشروع گام بگذارند و تلاش
و کوشش کنند مطمئن

باشند خداوند از این راه همه نیازمندیهای آنها را تامین می کند.
خدائی که آنها را در ظلمتکده رحم فراموش نکرد.
خدائی که به هنگام طفولیت که توانائی بر تغذیه از مواد غذائی این جهان نداشتند روزیشان را قبل از تولد به پستان مادر مهربان حواله کرد.
خدائی که به هنگام پایان دوران شیرخوارگی در آن حال که ناتوان بودند، روزیشان را به دست پدر پر مهری داد که صبح تا شام جان بکند و خوشحال باشد که برای تهیه غذای فرزندانش زحمت می کشم.
آری این خدا چگونه ممکن است به هنگامی که انسان بزرگ می شود و توانائی و قدرت به هر گونه کار و فعالیت پیدا می کند او را فراموش نماید، آیا عقل و ایمان اجازه می دهد که انسان در چنین حالی به گمان اینکه ممکن است روزیش فراهم نشود در وادی گناه و ظلم و ستم و تجاوز به حقوق دیگران گام بگذارد و حریصانه به غصب حق مستضعفان پردازد.
البته نمی توان انکار کرد که بعضی از روزیهاست چه انسان به دنبال آن برود، یا نرود، به سراغ او می آیند.
آیا می توان انکار کرد که نور آفتاب بدون تلاش ما به خانه ما می تابد و یاباران و هوا بدون کوشش و فعالیت به سراغ ما می شتابد؟ آیا می توان انکار کرد که عقل و هوش و استعدادی که از روز نخست در وجود ماذخیره شده به تلاش ما نبوده است؟!
ولی اینگونه مواهب به اصطلاح باد آورده و یا به تعبیر صحیحتر مواهبی که بدون تلاش، به لطف خدا، به ما رسیده اگر با تلاش و کوشش خود از آن بطور صحیحی نگهداری نکنیم آنها نیز از دست ما خواهد رفت، و یابی اثر می ماند.
حدیث معروفی که از علی (علیه السلام) نقل شده که فرمود: و اعلم یا بنی! ان الرزق رزقان رزق تطلبه و رزق یطلبک: بدان فرزندم، روزی دو گونه است،

یک نوع آن همان روزیهائی است که تو باید به جستجویش برخیزی، و گونه دیگرش روزیهائی است که آن در جستجوی تو است و به سراغ تومی آید نیز اشاره به همین حقیقت است.
این را نیز نمی توان انکار کرد که در پاره ای از موارد انسان به دنبال

چیزی نمی‌رود، ولی بر اثر یک سلسله تصادفها، موهبتی نصیب او می‌شود، این حوادث گرچه در نظر ما تصادف است اما در واقع و از نظر سازمان آفرینش حسابی در آن می‌باشد، بدون شک حساب این گونه روزیها از روزیهائی که در پرتو تلاش و کوشش بدست می‌آیند جدا است، و حدیث بالا ممکن است اشاره به اینها نیز باشد.

ولی به هر حال نکته اساسی این است که تمام تعلیمات اسلامی به مامی‌گوید برای تامین زندگی بهتر چه مادی و چه معنوی باید تلاش بیشتر کرد، و فرار از کار به گمان مقسوم بودن روزی غلط است.

۴ - در آیات مورد بحث تنها اشاره به مساله رزق و روزی شده، در حالی که در چند آیه بعد، آنجا که سخن از بندگان توبه‌کار و باایمان می‌گوید اشاره به متاع حسن (بهره‌برداری و تمتع شایسته) شده است.

مقابله این دو با یکدیگر این مطلب را به ما می‌فهماند که برای همه جنبندگان: انسانها، حشرات، درندگان، نیکان و بدان، همگی بهره‌ای از روزی است، ولی متاع حسن و مواهب شایسته و ارزنده تنها مخصوص انسانهای با ایمانی است که خود را با آب توبه از هر گونه گناه و آلودگی شستشو داده‌اند، و نعمتهای خدا را در مسیر اطاعت فرمانش بکار می‌گیرند نه در طریق هوا و هوسهای سرکش!.

